

صفت رنگ نارنجی

کافور بن ساری رنگ	باشند این گونه خوش در رنگ	چشمه بر آن خورید	ارجمت بصفای چشم
صفت الوال مختلف		گرد به چشمه پیرافعال نظر	تا بر خورشید ای دلبر
هر دم از غنچه در سبزه رنگ در	چهره آرایه بر رنگ در	از نهار پیش شش شمع بود	ادفای دهنک در رنگت بود
از پی بردن در هماره رنگ	رنگه نیمی ای رخ براب	کایمان گونه ترا نیز بودت	رنگت نارنجی بس نوز بود
ما بعد رنگ گرفتار تمام	تیره طبعه به طوار تمام	کافور الکه در آن آن انداز	همه این رنگ اگر سبب است
تورقانی شد افراغ	ما کف از دلاز مانع رخ	حشمت سار هایش بر آن	ز غفران راب همه غم ساز
رنگ از رنگ در کم سوس	سخن از رنگ در کم سوس	اغظت بر این آن ساری	نیمه در شش در رنگ جان
بلکه بر بنیت در این شحف	بلکه بر بنیت در این شحف		کافور ال کنی از اول

کتابخانه دانشگاه تهران